

این صدای عشق کیست؟

می چکداز ناودان

می رود ! اما کجا؟ !

سر به سوی آسمان

\*

این صدا له می شود

زیر پای مردمان

چرخ های زندگی

رد شده از روی آن

\*

این صدا گم می شود

روی چارچوب دروغ

در میان دغدغه

\*

مثل خوابی در پتو

زیر حجم وسوسه

یا شبیه ساعتی بی عقربه

\*

ریشه کن هم می شود  
این صدا از بیخ و بن  
روزگار ما فقط  
آهن و سنگ و بتن  
\*

این صدا خوابیده است  
روی یک ظرف بلور  
چشم هایش را بین  
محو یک رویای دور  
\*

تا که بردارد ترک  
عاقبت می شکنند  
این صدا در انشک شور  
\*

این صدا تب کرده است  
روی قلبی یخ زده  
دست هایش را بگیر  
در شبی ماتم زده  
\*

زیر باران مانده است  
این صدا ترسیده است  
یک نفر از دست او  
سکه را دزدیده است!

\*

این صدا جا مانده است

روی احساس شعور

رو به روی آینه

پشت یک چشمان کور

\*

این صدا گریان شده

در عبوریش خستگی

دوره گردی می کند

خسته از این خستگی

\*

این صدا تنها شده

این صدا غمگین شده

مثل رختی روی بند

ساکت و سنگین شده

\*

این صدا لرزان شده

روی شرم از گفتگو

توپ بازی می کند

با سکوتی روبه رو

\*

این صدا در یک افق

می پرد تا آسمان

می نشیند روی غم

می رود تا بیکران

\*

این صدا بر بال باد

رفته است تا آرزو

او شبیه خواهش است

پاره پاره ، زیرورو

\*

این صدا رد می شود

از کنار هر کسی

باز می ماند دلش

روی هر خاروختی

\*

این صدا در جوی آب

تا صداقت می رود

از کنار رهگذر

تا نهایت می رود

\*

این صدا بر برگ گل

یا میان آتش است

زردو نارنجی و سرخ

شعله های سرکش است

\*

این صدا همچون کلاغ

می نشیند روی بام

هرکسی سنگی به دست

می زند بر روی بام

\*

باز پارو می شود

این صدا در لای برف

این صدا گم می شود

لابه لای فکر و حرف

\*

این صدا شرمزده شد

بر زیان نلسزا

این صدا ماسیده شد

با گناهی ناروا

\*

این صدا در پاکت است

پاکتی بی انتها

باز می ریزد از آن

تکه های بی ریا

\*

این صدا مثل من است

در به در ، بی خانمان

روی دوش خاطرات

در کنار این و آن

\*

این صدا در گوش توست

می چکد از ناودان

می رود! اما کجا؟!

سر به سوی آسمان!!

...